

آموزش‌های جنبش 16 آذر در 1385

“دوستان و رفقای دانشجو

درد گرم مرا بپذیرید. یاد شهدای دانشجویی شانزده آذر در شرایطی گرمی می‌داریم که دیو استبداد و ارتجاع که تمام قد خود را در برابر جامعه و نیازهای رشد و پیشرفت آن قرار داده و آن را سد کرده است، حتی از یادآوری نام و خاطره آن شهدای سربلند هم وحشت دارد و جلوگیری می‌کند. اما دقیقاً در همین شرایط زنده نگه داشتن یاد و خاطره، آرمان‌خواهی و مبارزات شهدای دانشجو ضرورت موجد تر از همیشه است، زیرا اکنون، هم ارتجاع حاکم داخلی و هم فرهنگ امپریالیستی که فعلاً بر فضای بین‌المللی تسلط یافته و می‌کوشند هر یک با ارائه بدل‌های توخالی، تفکر و عمل انقلابی نسل‌های گذشته جنبش‌های دانشجویی را لوٹ و تحقیر نمایند. و با زدودن حافظه تاریخی جامعه و قطع ارتباط آن با گذشته، میراث مبارزاتی جنبش دانشجویی را از ذهن کنونی پاک کرده و آنرا رهسپاردنیای فراموشی نمایند. از این رو زنده نگه داشتن یاد و خاطره آرمان‌خواهی و مبارزه انقلابی شهدای دانشجویی از هر زمان دیگر ضرورت دارد. اگر آن چه اکنون جریان دارد، روند طبیعی و ناگزیر آن چیزی باشد که باید در ایران طی شود، با همه دشواریهایش ما نباید از آن ناخرسند باشیم. اتفاقاً استراتژی موثر و ناگزیر مبارزه را فقط در همین شرایط و بر چنین بستری می‌توان پیدا کرد. این شرایط به توهماتی که طی یکی دو دهه اخیر تبلیغ کرده‌اند و ثمری جز خواب کردن جنبش دانشجویی و غافل ساختن آن از هدفهای واقعی و راه‌های رسیدن به آنها نداشته است، پایان خواهد داد. و جنبش دانشجویی را خالص تر و هوشیار تر خواهد ساخت. با شما یک سینه سخن دارم اما در شرایط حاضر که ممنوع الملاقات و حتی از دیدار خانواده خود محروم هستم امکان ارتباط با شما و در میان گذاردن همه آنچه را که می‌خواهم بگویم برایم وجود ندارد. از دور دست یکایک شما را می‌فشارم و در مبارزه‌ای نجیبانه و مردم‌دوستانه‌ی شما در هر شرایطی در کنار تان هستم.

دکتر ناصر زرافشان زندان اوین 85/9/15

مطالعه نظریات دکتر ناصر زرافشان بسیار آموزنده است. وی بدرستی اشاره می‌کند که دیو استبداد و ارتجاع و نه تنها ارتجاع مذهبی حاکم در ایران بلکه ارتجاع سلطنت طلب که خودشان مسبب قتل عام دانشجویان در دانشگاه تهران بعد از کودتای خائنانه 28 مرداد و در آستانه سفر نیکسون به ایران بودند تلاش می‌ورزد که از یادآوری این روز تاریخی جلوگیری کند. شاهپرستان ایرانی که از هواداران کودتای 28 مرداد هستند و در رکاب شعبان بی‌مخ از “کربلای 28 مرداد” سخن می‌گویند در سال گذشته با هزینه گزاف سازمانهای جاسوسی آمریکا موجی تبلیغاتی در جهان ایجاد کردند تا خود را نیز حامی جنبش دانشجویی در 16 آذر و 18 تیر جا بزنند. آنها می‌خواستند با تغییر رنگ روز تاریخی و بزرگ 16 آذر را که الهامبخش چندین نسل مبارزان ایرانی است از مضمون تهی کنند. چنین جلوه دهند که گویا در این روز اساساً اتفاق نیافتاده است و شهادت سه تن ناشی از خود سری و نژاد شخصی بوده است. شاهپرستان بیابکارزه به صورت متعنی به حامیان سینه چاک این روز تاریخی بدل شدند. حزب کار ایران با انتشار اسناد مربوط به 16 آذر این دسیسه‌نگین را با شکست روبرو ساخت و مانع شد از اینکه سلطنت‌طلبان بیگانه پرست خود را بدرتن صفوف مردم داخل کنند. اینکه باید با سلطنت‌طلبان مبارزه کرد از الفبای مبارزه و ادامه مبارزه تاریخی مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا به امروز است. ما یک لحظه نیز نباید مبارزه را با ضد انقلاب مغلوب قطع کنیم و بدتر از همه در آنها به چشم “متحد” خویش بنگریم. وظیفه کمونیستها بویژه در شرایطی که خطر تجاوز امپریالیسم به ایران علیرغم کاهش بطور کلی منتفی نشده است کشیدن خط تمایز با این عده و افشاء سیاست‌های آنهاست که برای اشغال ایران توسط امپریالیسم آمریکا روز شماری می‌کنند. سلطنت‌طلبان بیچاره آنقدر چمدانهای خویش را برای رفتن به ایران و چاپیدن مردم باز و بسته کرده‌اند که این چمدانها مندرس شده است. ناصر زرافشان می‌بیند که روشنفکران خود فروخته‌ای نظیر پرهام بیگ باره شاهپرست از کار در آمده و مدعی می‌شوند که تصمیمات و نظریات نسل گذشته به ما مربوط نیست و ما باید از نو شروع کنیم. گذشتگان نمی‌توانند برای ما مسیر آتی زندگی ما را تعیین کنند. این نظریات ضد علمی و ارتجاعی که آنها را به صورت اصول بیان می‌کند فقط هدفش دفاع از سلطنت است. همین آقایان به همه دستاوردهای علمی گذشتگان، پیشرفتهای پزشکی و دارویی و... احترام می‌گذارند و از آنها استفاده می‌کنند. آنها از سنتهای ارتجاعی و سیاه گذشته در تاریخ که مهر باطله به آنها خورده و به زباله دان تاریخ افکنده شده است نظیر رژیمهای سلطنتی حمایت می‌کنند و بیادشان نمی‌آید که این رژیمهای مفت خور و سفیه دیگر نباید به اعتبار خویشاوندی ژنتیکی بر گرده مردم سوار شوند و از مالیات مردم طفیلی وار زندگی کنند و به ریش مردم بخندند. این نتورسینهای شاهپرست با گذاشتن تئوری مبارزه نسلها بجای مبارزه طبقاتی در پی بازگرداندن رژیم منفور سلطنت به یاری امپریالیستها هستند و باین جهت با تخطئه گذشته مبارزه مردم ایران و نفی سنتهای انقلابی این مردم که الهامبخش نسل آتی جامعه ایرانی است موافقت می‌کنند. ناصر زرافشان بدرستی بر بگذاری این مراسم تاریخی تاکید می‌کند و می‌نویسد: “دقیقاً در همین شرایط زنده نگه داشتن یاد و خاطره، آرمان‌خواهی و مبارزات شهدای دانشجو ضرورت موجد تر از همیشه است، زیرا اکنون، هم ارتجاع حاکم داخلی و هم فرهنگ امپریالیستی که فعلاً بر فضای بین‌المللی تسلط یافته و می‌کوشند هر یک با ارائه بدل‌های توخالی، تفکر و عمل انقلابی نسل‌های گذشته جنبش‌های دانشجویی را لوٹ و تحقیر نمایند. و با زدودن حافظه تاریخی جامعه و قطع ارتباط آن با گذشته، میراث مبارزاتی جنبش دانشجویی را از ذهن کنونی پاک کرده و آنرا رهسپاردنیای فراموشی نمایند.”

این موضعگیری صریح علیه شاهپرستان، حامیان امپریالیسم است که برای تجاوز آنها به ایران دست به دعا بر داشته‌اند. از درسهای آموزنده مبارزه دانشجویان در 16 آذر مبارزه دانشجویان کرد دانشگاه‌های تهران به صورت مستقل در مراسم 16 آذر است. یکی از سایت‌های خبری در گزارش خویش از تظاهرات دانشجویان در ایران می‌نویسد: “این مراسم با شرکت سه طیف دانشجویی (چپ، کرد و تحکیم وحدت) راس ساعت 12 مقابل سردردانشکده فنی تهران بر گزار شد. در ابتدای مراسم هر کدام از سه طیف مذکور به قرأت بیاننامه‌ی خود و سر دادن شعار پرداختند. تعداد دانشجویان مشارکت کننده در این مراسم حدود 1500 الی 2000 نفر بر آورده می‌شد که از این تعداد قریب به 300 نفر را دانشجویان کرد تشکیل می‌دادند. در این مراسم متعاقب خواندن سرود “ای ایران” از سوی برخی از دانشجویان، دانشجویان کرد هم به خواندن سرود ملی “نهی رفیق” پرداخته و به هر دو زبان کردی و فارسی به شعار دادن پرداختند. در این مراسم دانشجویان کرد پلاکاردهای با مضامین “کردستان، گورستان فاشیست ها”، “کردستان بزرگترین قربانی نقض حقوق بشر”، “اسلام بر آزادی درود بر کردستان”، “ما خواستار به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای تمامی ملیت‌های ایران هستیم”، “میلیتاریسم در کردستان پایان پذیرد”. دانشجویان کرد همچنین شعار می‌دادند “کردستان کردستان گورستان فاشیست ها”، “سرکوب در کردستان محکوم باید گردد”، “زندانی سیاسی آزاد باید گردد، حکومت فاشیستی نابود باید گردد”. دانشجویان کرد در بیانیه خود با تاکید بر تداوم سیاست‌های تبعیض، انکار و سرکوب و نقض گسترده حقوق بشر در تمامی کردستان و انتقاد شدید از عملکرد دولت‌های پیشین و دولت نهم در قبال مردم کرد، خواستار احترام گذاردن به حقوق انسانها، برچیده شدن میلیتاریزم در کردستان، آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی و رفع توقیف نشریات کردی شدند. علاوه بر این با اشاره به محرومیت از تحصیل دانشجویان کرد به دلایل سیاسی، خواستار رفع محرومیت از این دانشجویان و سایر دانشجویان دیگر غیر کرد شدند. در این بیانیه دانشجویان خواهان به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد شدند.”

در شعار دانشجویان کرد به راحتی می شود رگه های ناسیونال شونیسم را احساس کرد که نباید از کنار آن گذشت و به توسعه آن میدان داد. در این نوع برخورد، کردستان بمثابه تافته ای جدا بافته عنوان می شود و تکیه بیشتر بر تمایز و جدائی است تا بر وحدت و همبستگی خلقهای ایران. آنجا نیز که از برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملیتهای ایران سخن رفته است بر این موضع درست که نیروهای مترقی باید از وحدت دموکراتیک خلقهای ایران حمایت کنند مبلغ وحدت باشند سخنی در میا نیست. در شعارهای دانشجویان کرد جنبه وحدت خلقهای ایران برجسته نمی شود بیشتر برای آن است که تکیه را بر جدائی خلق کرد بگذارد و نه وحدت خلقهای ایران. اگر گفته می شد که شرط تامین حقوق دموکراتیک خلقهای ایران تحقق آزادی و دموکراسی در سراسر ایران است و باید برای این خواست همه متحداً مبارزه نمایند آنوقت مفهوم این شعار طور دیگری بود. شعار سرکوب در کردستان محکوم باید گردد گرچه که شعار درستی است و همه دموکراتهای ایران باید از آن حمایت کنند ولی جای این پرسش را باقی می گذارد که چرا ما از سرکوب در تمام ایران شکایت نمی کنیم و به مسئله کردستان به منزله بخشی از کل برخورد نمی نمایم. آیا این باین مفهوم نیست که دانشجویان کرد قصد دارند تنها گلیم خود را از آب بیرون بکشند و نسبت به سرنوشت سایر خلقهای ایران و نقض حقوق دموکراتیک بی تفاوت اند. آنجا هم که به نقض حقوق بشر اشاره می شود تکیه بر کردستان بعنوان بزرگترین قربانی این نقض می باشد. حال آنکه مبارزه علیه نقض حقوق بشر یک امر اصولی و کیفی است و نه کمی که بر سر این چانه بزنیم که بزرگترین قربانی آن کردها هستند یا دیگران. در حالی که قربانیان نقض حقوق بشر مخالفین نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی هستند اعم از اینکه کرد، آذری باشند یا فارس و عرب. تقسیمبندی انقلابیون و آزادیخواهان و دموکراها بر اساس ملیت امر نادرستی است و تنها می تواند به جبهه بزرگ مبارزه برای تامین حقوق بشر صدمه زند. هرگز امکان ندارد که در چارچوب رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در کردستان ایران حقوق بشر تامین شود و در سایر نقاط ایران به زیر پا گذارده شود و یا برعکس. مبارزه برای آزادی و دموکراسی و تحقق حقوق بشر مبارزه ای مجزا و پاره پاره نیست. همه آنها اجزاء ترکیب شونده یک مبارزه عمومی و سراسری دموکراتیک همه مردمایران هستند. هیچ خلق نمیتواند در ایران حساب دیگری بای خودش باز کند و بگوید برای من سرنوشت سایر خلقهای ایران علی السویه است مهم آنکه من خودم گلیم خودم را از آب بیرون بکشم. شعار "میلیتاریسم در کردستان پایان پذیرد" یاد آور شعار اشتباه جنبش کردستان پس از انقلاب بود که "خواهان خروج ارتش اشغالگر از کردستان بود". این شعار به انزوای جنبش کردستان می کشید و کشید زیرا سرزمین کردستان در اشغال یک نیروی بیگانه که گویا "فارسها و آذریها" هستند نیست. این شعار مبارزه ملی و دموکراتیک مردم ایران را تا حد مبارزه کردها برای رهائی سرزمینهای اشغالیشان توسط سایر ملل ایران تنزل می داد و این امر که بوی تجزیه طلبی و نه همبستگی ملی و تقویت مبارزه ملی و دموکراتیک می داد طبیعتاً به مبارزه مردم کردستان یاری نرسانید و کار را به آنجائی رسانید که مشتی خود فروخته نظیر یاران مهندی و حزب دموکرات کردستان ایران خواهان تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایران و تکرار فاجعه شوم عراق در ایران هستند. آنها پس از این همه جنایت از حضور امپریالیستها در عراق حمایت می کنند زیرا این توجیه را تکرار می کنند که "کردها سرزمینهایشان را رها ساخته اند" و "گور پدر اعراب". همین سیاست است که اسرائیل و صهیونیسم را در منطقه متحد خود می بیند. پایان میلیتاریسم در کردستان ایران اگر با این نیت مطرح باشد شعار ارتجاعی است. طبیعتاً حزب ما با اعمال زور توسط قوای سرکوبگر ارتش علیه نردم ایران در هر گوشه کشور و علیه هر کدام از خلقهای ایران مخالف است ولی حزب ما میان ناسیونال شونیسم و تحقق حقوق دموکراتیک و تبلیغ وحدت دموکراتیک خلقهای ایران تفاوتی اساسی قابل است.

ولی علیرغم این نکات ضعف ما با نکات مثبت و قابل اتکائی نیز روبرو هستیم. همینکه دانشجویان کرد ایران در روز 16 آذر که روز دانشجو است و بیش از نیم قرن الهامبخش مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران و جنبش دانشجویی ایران بوده است به میدان می آیند و در کنار بزرگ نیا، قندچی، شریعت رضوی قرار می گیرند که هیچکدام از آنها کرد نبودند نشانه همبستگی و تکیه بر جبهه متحد مردمی در مبارزه دموکراتیک در ایران است. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد، حکومت فاشیستی نابود باید گردد". شعار همه مردم ایران است. دانشجویان کرد در این شعار نشان می دهند که آزادی همه زندانیان سیاسی اعم از کرد آذری و عرب و فارس و... منوط به سرنگونی رژیم فاشیستی ایران است. در اینجا تکیه بر وحدت و نشانه گیری به سمت دشمن مشترک و مسبب همه این بلاهاست. در این شعار زندانی سیاسی بر اساس ملیت تقسیم نمی شود. گفته نمی شود زندانیان سیاسی کرد را آزاد کنید و بقیه را در زندان ها نگاه دارید زیرا سرنوشت آنها به ما مربوط نیست. در این شعار میان شکنجه گر فارس و ترک و کرد بر اساس ملیت فرقی نمی گذارد. کرد هم می تواند یک فاشیست و یا نوکر امپریالیست و یا جاسوس صهیونیست باشد. تعلق ملی بیانگر ماهیت سیاسی نیست. ناسیونال شونیستها تنها بر این افکار فاشیستی و ملی گرایانه و دشمن طلبانه و تبلیغات نفرت ملی و ایجاد دشمنی تکیه می کنند.

مبارزه مشترک دانشجویان ایرانی در دانشگاههای ایران گام بزرگی به پیش است که سوء ظنهای ملی را کاهش می دهد و جنبه های مشترک مبارزه دموکراتیک و ملی را تقویت می کند. این جنبه نیز در مبارزه دانشجویان کرد در روز 16 آذر برجسته است و تلاش کرده اند به صراحت شعاری را مطرح نکنند که موجب نفاق و درگیری در تظاهرات ضد رژیمی شود. این درک درستی است که نشان می دهد که حل مسئله ملی جزئی از حل یک مسئله کلی تر در ایران است. ما بارها بیان کرده ایم که در دنیای کنونی در شرایط تسلط امپریالیسم بر جهان حل مسئله ملی باید در راستای مبارزه ضد امپریالیستی بوده و در خدمت مصالح جنبش عالی پرولتری قرار گیرد. با این دورنماست که می شود گامهای مثبت و موثری در این عرصه برداشت. ما با جوانه های این مبارزه در 16 آذر روبرو شده ایم باید این جنبه را تقویت کرد و از دانشجویان کرد خواست که دست در دست همه دانشجویان ایران نخست برای استقرار یک ایران دموکراتیک و مستقل مبارزه کنند و یک تنه در مقابل تجاوز قدرتهای خارجی ایستادگی نمایند.

بر گرفته از توفان شماره 82 دی ماه 1385 ارگان مرکزی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org